



مادران؛ حافظان فرهنگ و سنت

شاید در ابتدا به نظر برسد صحبت کردن از انسانی که معنا و مفهوم مادر و مادری را در قلب و جان خود می‌پروراند...

روز مادر از معدود فرصت‌های نابی است که می‌توان گوشه‌ای از محبت‌های بی‌دریغ مادر را جبران کرد
مادران؛ حافظان فرهنگ و سنت

شاید در ابتدا به نظر برسد صحبت کردن از انسانی که معنا و مفهوم مادر و مادری را در قلب و جان خود می‌پروراند، کار مشکلی نخواهد بود، اما این تنها ظاهر قضیه است بخصوص در زمانی که فقط به اصلی‌ترین مفهوم مادر یعنی مظهری از ایثار، فداکاری، گذشت و مهربانی بیندیشی و این جمله معروف را به یاد بیاوری که بهشت زیر پای مادران است. یعنی بهشت، فقط به واسطه مادر بودن و نه چگونه مادری بودن، بر یک مادر رواست.

حال اگر پای صحبت پدرها و مادرهایمان که نسل پیش از ما هستند، بنشینیم، خواهی شنید که مادرانشان پختند، شستند، دوختند، سوختند و ساختند تا آنها چیزی بشوند که امروز هستند. یعنی مادرانشان زنانی بودند که هیچ لذتی از زندگی‌شان نبردند تا برای فرزندان‌شان تا پایان عمر خود مادری کنند.

چنین ماهیتی از وجود مادر در کمتر جامعه یا فرهنگ دیگری دیده شده و می‌شود و حتی در جامعه امروز ما نیز تحت تاثیر زندگی صنعتی پرشتاب امروزی و ساختارهای فرهنگی وابسته به آن، در حال کمرنگ شدن است.

پس با دیدی فراتر و نگاهی عمیق‌تر درمی‌یابی که مفهوم و معنای مادر پیچیده‌تر از آن است که از عهده و توان هر زنی تنها به واسطه مهر و عطوفت ذاتی‌اش نسبت به فرزند برآید. به گونه‌ای که در جوامع مدرن و صنعتی امروز دنیا برخلاف جوامعی همچون ما که باورها و نگاه‌های سنتی در آن همچنان رنگ نباخته است، مفهوم مادری در عشق و از خودگذشتگی بی‌مثال و بی‌رقیب و نقش حمایتی مادام‌العمر یک مادر از فرزندان‌ش، خلاصه نمی‌شود.

مهم‌تر این که در جوامع مدرن امروزی دنیا همچون جوامعی که نگاه‌های سنتی و دینی به مبانی فرهنگی، خانوادگی و تربیتی دارند مادر، به عنوان انتقال‌دهنده فرهنگ، آداب و رسوم و رفتار اجتماعی از نسلی به نسل دیگر تلقی نمی‌شود. در واقع مادران در چنین جوامعی دیگر احیاکننده و محافظ فرهنگ‌ها و سنت‌ها نیستند و قرار نیست سنت‌ها را به صورت غیررسمی به نسل‌های بعدی بیاموزند.

تفاوت مفهوم مادری در هر فرهنگ

وقتی خانواده‌ای تشکیل می‌شود دو رکن اولیه آن پدر و مادر هستند و بعد فرزندان به این مجموعه اضافه می‌شوند و یک خانواده کامل را می‌سازند. یکی از ارکان خانواده، مادر است و جایگاه مادر نه تنها در فرهنگ ایران بلکه در سایر فرهنگ‌ها نیز والا و قابل ستایش است، اما به گفته دکتر مهرنوش دارینی، روان‌شناس بین واژه مادر و مفهوم مادری کردن فرهنگ‌های مختلف تفاوت وجود دارد. یعنی مادر از نظر زیست‌شناختی به زنی گفته می‌شود که بارور شده و فرزند دارد، اما مادری مفهوم وسیع‌تری است که تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد و با تربیت و تعلیم، مراقبت و حفاظت و آموزش همراه است.

این مشاور خانواده در گفت‌وگو با «جام‌جم» با تاکید بر این که مفهوم مادری است که در فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌شود، می‌گوید: یعنی انتظاراتی که از مادر وجود دارد تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد.

در جامعه ایرانی از مادر انتظار می‌رود که پس از تولد فرزند، او را رشد دهد و وظیفه تربیت فرزندان، رسیدگی به امور منزل و برقراری آرامش در منزل به عهده مادر است. این انتظار هم از زنان شاغل و هم از زنان خانه‌دار یکسان است و تنها مشغولیت‌ها و نوع شغل و شیوه زندگی است که انجام این وظایف را دستخوش تغییر می‌کند، اما انتظار اولیه این است که مادر به فرزند و همسر خود رسیدگی کند و وظیفه تربیت فرزند در هر حال، به عهده مادر است. نکته مهم اینجاست که چنین انتظاری با گذشت زمان و افزایش سن فرزند نیز رنگ نمی‌بازد و تا پایان عمر مادر همراه او خواهد بود، اما نقش و انتظاراتی که از یک مادر به واسطه مادر وجود دارد در جوامع مدرن، به زمان خاصی و تا پیش از پررنگ شدن جامعه پذیری در فرزند خلاصه می‌شود و پس از آن جامعه و حمایت‌های پررنگ اجتماعی دولت‌ها جایگزین نقش حمایتی مادر و در واقع والدین می‌شود.

خوبی و بدی تو پای مادرت نوشته نمی‌شود

پس نقش مادران در جوامع سنتی مانند جامعه ما به عنوان عاملان انتقال ارزش‌های فرهنگی و سنت‌ها از نسلی به نسل دیگر با جوامع مدرن همچون جوامع غربی متفاوت است که دکتر فیروزه جعفرزاده‌پور، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «جام‌جم» این تفاوت را چنین توصیف می‌کند: بی‌تردید تعاملات مناسب بین نسلی سبب انتقال ارزش‌ها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر می‌شود، اما در جوامع سنتی به دلیل محدودیت الگوها و تشابه منابع جامعه‌پذیری، در واقع افراد، تکرار نسل‌های پیشین خود هستند، زیرا در این جوامع الگوهای موجود برای جامعه‌پذیری افراد نسل آینده معدود و مشابه است. در حالی که در جوامع مدرن که الگوهای متعدد جامعه‌پذیری وجود دارد، انتقال فرهنگی از این طریق ممکن نیست. در واقع در جامعه‌ای سنت‌گرا با باورهای پررنگ مذهبی همچون جامعه ما درستکاری، موفقیت و درخشش‌های شخصیتی و اجتماعی یک فرد، ابتدا به پای تربیتی گذاشته می‌شود که از مادر گرفته است و برعکس.

در حالی که به گفته دکتر امان قرائی‌مقدم، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی در جوامع صنعتی و مدرن امروزی نقش مادر به آماده‌سازی فرزند برای ورود به جامعه تا هجده‌سالگی خلاصه می‌شود و پس از آن یک فرد بیشتر تأثیراتش را باید از جامعه دریافت کند. یعنی یک مادر در جامعه مدرن امروزی نقش حفاظت و حمایت از فرزندش را پس از این سن، از وظایف خود نمی‌داند و این یک باور فرهنگی است که برای همه مردم شکل گرفته است.

توانمندسازی خود و فرزندان و نه نگهداری و حمایت از آنان

در عصر حاضر، تمام مردم دنیا تحت تأثیر تغییرات شتابان ابعاد مختلف زندگی از اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تا علمی و تکنولوژیک قرار گرفته‌اند: به گونه‌ای که این تغییرات در ابعاد مختلف زندگی مردم، تأثیر شگرفی را برجای گذاشته است.

حتی پذیرش الگوهای جدید جامعه‌پذیری بشدت تحت‌تأثیر سرعت‌پذیری و آسان شدن تعاملات در دنیای کنونی ما قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که دکتر جعفرزاده‌پور تأکید می‌کند در هیچ دوره‌ای از زندگی بشری تعاملات با چنین سرعت و آسانی انجام نمی‌شده است و این شرایط، از یکی دو نسل پیش تاکنون در جوامع مدرن امروزی، الگوها و مدل‌های مختلفی را برای جامعه‌پذیری به بدنه فرهنگی این جوامع تزریق کرده است.

در واقع این شرایط نهاد خانواده و والدین را به عنوان مسئولان آن در وضع خاصی قرار داده و تعاملات و ارتباطات بین آنها را به گونه‌ای متفاوت از جوامع سنتی تعریف می‌کند. به بیان دیگر، امروز تنها مسأله والدین و بویژه مادران، نگهداری از خانواده و حمایت از آنان نبوده بلکه توانمندسازی خود و فرزندانشان از مسائل مهم پیش‌روی آنان است.

از نقش مادری تا حفظ منافع و نیازهای یک زن

دکتر قرائی‌مقدم در گفت‌وگو با «جام‌جم» ضمن تأکید بر این که در جوامع صنعتی آنقدر روند زندگی و تعاملات آن پرشتاب شده که روابط درون خانواده را نیز موزائیکی ساخته است، می‌گوید: این روند طی سال‌ها تغییرات مفهومی، ارزشی و تربیتی متفاوتی را در خانواده و نقش والدین و بخصوص مادران ایجاد کرده است. یعنی در کشورهای صنعتی، تن دادن به زندگی مشترکی که مبنای ارزشی خود را برای یک زن به عنوان همسر و مادر از دست داده، به بهانه مادر بودن بی‌معنی است و به معنای نادیده گرفتن نیازهای روحی، روانی، عاطفی و حتی حقوق اجتماعی یک زن تلقی می‌شود، در حالی که در جامعه ما در گذشته که نزدیک به صد درصد موارد و در جامعه امروزی ما نیز همچنان در موارد زیادی فرزندان می‌توانند عامل تداوم و بقای زندگی زناشویی حتی در شرایطی باشند که روابط و علایق همسران نسبت به یکدیگر دچار از هم گسیختگی شده و به بیانی طلاق عاطفی میان یک زوج صورت گرفته است.

دکتر جعفرزاده‌پور نیز با تأیید این دیدگاه می‌گوید: در جوامع مدرن امروزی که فردگرایی و منافع فردی بر خانواده و ارزش‌های آن در حال پیشی گرفتن است، مادران و پدران خواسته‌های فردی خود را بر حفظ این ارزش‌ها ارجح می‌دانند و در بسیاری موارد این تغییر

نگرش اجتماعی به از هم پاشیدگی خانواده منجر می‌شود.

مادری کردن در ساعت شنی

آیا زمان مشخصی برای مادری کردن وجود دارد؟ ابتدایی‌ترین پاسخ به این پرسش این است که در جامعه ما در ماه‌های اولیه و پس از آن سال‌های کودکی و نوجوانی فرزند و در واقع پیش از ورود او به دانشگاه و فعالیت اجتماعی، نقش مادر بشدت پررنگ است و از لحاظ امنیت جسمانی، عاطفی و روانی فرزند ضروری است، اما مسأله اینجاست که چنین نقشی نسبت به فرزندانی که خود پدر و مادر هستند نیز تداوم می‌یابد و این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا گذاشتن چنین بار مسئولیت مادام‌العمری بر شانه‌های مادر منصفانه است؟

دکتر دارینی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: البته لازم است که يك مادر برای خود نیز زمان در نظر بگیرد و علاوه بر فرزند و همسرش، خودش را نیز در اولویت قرار دهد و زمانی را برای انجام امور خود اختصاص دهد، اما میسر شدن این موضوع به دیدگاه‌های فرهنگی موجود در خانواده و جامعه بستگی دارد. به طوری که در فرهنگ حاکم بر جوامع مدرن و صنعتی اگر مادری به انجام امور شخصی خود نیز بپردازد، برخلاف جوامع سنتی او را متهم به مادری نالایق نمی‌کنند.

پونه شیرازی / گروه جامعه